

Recontextualizing Resistive Economy as a Behavioral System

Jafar Torkzadeh *
Fatemeh Abdesharifi **

Received: 2016/10/17

Accepted: 2017/04/05

The aim of this study was to recontextualize the resistive economy as a behavioral system. This research was a qualitative project case study based on context or recontextualization and is placed among the basic researches based on its goal and has been done using thematic analysis method. The study population consisted of all the supreme leader's statements in the scope of resistive economy and thematic analysis has been done based on recontextulization on these documents. In order to authenticate the validity of research data concepts such as credibility, trustworthiness, and defensibility have been used. Research findings indicate that recontextualizing the resistive economy as a behavioral system could be explained in the form of conceptual, structural, and functional themes. Henceforth, conceptual dimension includes components such as comprehending the concept of resistive economy, purpose, necessities, and strategies. In the structural dimension components such as strategic orientation, organizational design and cultural context are important. Finally, in functional dimension components including main activities (central), contextualizing activities and performance considerations are explained. According to the Supreme Leader's emphasis on the implementation of resistive economy pattern and the need for functional patterns application in order to save the country's economy and on the other hand, due to the relative weakness of existing patterns in present research, practical implications of the findings have been discussed.

Keywords: Resistive Economy, Recontextualizing, Behavioral System

JEL: E70 .P49.

* Associate Professor, Educational Administration & Planning Department, Shiraz University,
Torkzadeh@shirazu.ac.ir
** Ph.D Condidate in Educational Administration, Shiraz University (Corresponding Author)
F.abdesharifi@yahoo.com

بافت‌نگاری اقتصاد مقاومتی به مثابه یک نظام رفتاری

جعفر ترک‌زاده*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۷/۲۲

فاطمه عبدشریفی**

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۱/۱۶

چکیده

هدف پژوهش حاضر بافت‌نگاری اقتصاد مقاومتی به مثابه یک نظام رفتاری است. این پژوهش از نظر طرح، کیفی است و از نوع مطالعه موردی مبتنی بر بافت یا بافت‌نگاری بوده و از نظر هدف در زمره پژوهش‌های بنیادی قرار می‌گیرد که با روش تحلیل مضمون انجام گرفته است. در پژوهش حاضر جامعه آماری کلیه فرمایشات مقام معظم رهبری در حوزه اقتصاد مقاومتی می‌باشد و تحلیل مضمون بر مبنای بافت‌نگاری بر این اسناد صورت پذیرفته است. به منظور تصدیق اعتبار داده‌های پژوهش از مفاهیمی همچون باورپذیری، قابل دفاع بودن و امانتداری استفاده گردیده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که بافت‌نگاری اقتصاد مقاومتی به مثابه یک نظام رفتاری در قالب مضامین مفهومی، ساختاری و عملکردی قابل تبیین می‌باشد. از این رو بعد مفهومی شامل مؤلفه‌هایی از قبیل درک معنای اقتصاد مقاومتی، هدف، ضرورت و راهکارها می‌باشد. در بعد ساختاری مؤلفه‌هایی از قبیل جهت‌گیری راهبردی، طرح سازمانی و بستر فرهنگی اهمیت می‌یابند. نهایتاً در بعد عملکردی نیز مؤلفه‌هایی شامل فعالیت‌های اصلی (مرکزی)، اقدامات زمینه‌ساز و ملاحظات عملکردی قابل تبیین می‌باشد. با توجه به تأکید مقام معظم رهبری بر عملی‌سازی الگوی اقتصاد مقاومتی و ضرورت کاربست الگوهای کاربردی به منظور نجات اقتصاد کشور و از سوی دیگر با توجه به ضعف نسبی الگوهای موجود پژوهش حاضر، تلویحات کاربردی یافته‌ها مورد بحث قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: اقتصاد مقاومتی، رهبری، بافت‌نگاری، نظام رفتاری.

طبقه‌بندی JEL: E70, P49.

Torkzadeh@shirazu.ac.ir

*دانشیار بخش مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی دانشگاه شیراز، (نویسنده مسئول)

F.abdesharifi@yahoo.com

**دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی دانشگاه شیراز

مقدمه

فضای اقتصادی ایران امروز، رویدادهای ویژه و منحصر به فرد اقتصادی را شاهد است که وقوع برخی از آنها تاکنون در دنیا سابقه نداشته است؛ از این رو زمانی که شرایط ویژه و بدون الگویی به وجود می‌آید، ضرورت نوآوری و ایده‌پردازی از سوی صاحب‌نظران برای برطرف کردن چالش‌های اقتصادی ضرورت پیدا می‌کند. در هیچ یک از مکتوبات و نظریه‌های متداول اقتصادی غرب، الگو و پیشینه نظری و عملی مشخصی درباره اقتصاد مقاومتی نمی‌توان یافت که برای مشکلات اقتصادی همچون تحریم بانک مرکزی، تحریم صنعت نفت و ... در آن نسخه شفابخشی وجود داشته باشد (میلانی، ۱۳۹۴). در شرایطی که انبوه الگوهای اقتصادی از حل مسائل اقتصادی امروز ایران عاجز هستند و تحریم‌های گسترده غرب علیه کشورمان رو به گسترش است، ارائه و تبیین الگوی اقتصاد مقاومتی می‌تواند انقلاب عظیمی را در عرصه اقتصاد ایران ایجاد کند و به‌عنوان الگویی اقتصادی ادبیات جدیدی است که در مقابله با تحریم‌های بین‌المللی مطرح شده است. قاعدتاً در فضای تحریم هم دشمن بیرونی وجود دارد و هم دشمن داخلی و از طرف دیگر امکانات بیرونی و داخلی نیز فراهم است. اقتصاد مقاومتی، این نوع مؤلفه‌ها را به خوبی می‌فهمد و جامعه را براساس آن مدیریت می‌کند. در واقع اقتصاد مقاومتی با اقتصاد اسلامی بیگانه نیست، بلکه می‌توان گفت یک نوع مکمل اقتضایی آن است که به ضرورت زمان فعلی ما باز می‌گردد و در شرایط فعلی تحریم ضرورت آن دو چندان است (پیت و الاین^۱، ۲۰۰۹).

اقتصاد مقاومتی^۲ که شکلی از اقتصاد اسلامی است (اصغری، ۱۳۹۵)، در ۱۶ شهریور سال ۱۳۸۹ از سوی مقام معظم رهبری، جهت اصلاح نظام اقتصادی کشور مطرح و در ۲۹ بهمن سال ۱۳۹۲ در ۲۴ بند، در قالب سیاست‌های اقتصاد مقاومتی به دولت ابلاغ گردید. همچنان که از نام آن پیداست، اقتصاد مقاومتی، اقتصادی است که در پی آسیب‌زدایی و ترمیم ساختارهای اقتصادی موجود از طریق ایجاد نهادهای اقتصادی با رویکرد انقلابی و جهادی عمل می‌کند. مهم‌ترین ویژگی این اقتصاد، تداوم رشد اقتصادی در شرایط فشارهای بیرونی است و به بیان مقام معظم رهبری اقتصاد مقاومتی: «یعنی آن اقتصادی که در شرایط فشار، در شرایط تحریم، در شرایط دشمنی‌ها و خصومت‌های شدید می‌تواند تعیین‌کننده رشد و

شکوفایی کشور باشد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۵/۱۶).

از سوی دیگر با توجه به فرمایشات مقام معظم رهبری مسائل اقتصادی به‌عنوان اساسی‌ترین، مهم‌ترین و فوری‌ترین مسئله فعلی کشور قلمداد می‌گردد. زیرا جهت دستیابی به اهداف عالی کشور در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و با توجه به تحریم‌های اقتصادی و فشار دشمن در جوانب مختلف لزوم تأکید بر بعد اقتصادی بیش از پیش آشکار می‌گردد. مقام معظم رهبری علاوه بر پیام نوروزی سال ۱۳۹۰، در روز اول فروردین همان سال در بارگاه رضوی نیز به این مسئله اشاره داشتند که «اگرچه در کشور کارهای اساسی و ضروری باید انجام شود، اما صاحب‌نظران معتقدند یکی از مسائل دارای فوریت و اهمیت بیشتر در این برهه از زمان، مسائل اقتصادی و حرکت جهادگونه در این عرصه است (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۰۱/۰۱)». رهبری دو دلیل در مورد علت اهمیت و فوریت بیشتر مسائل اقتصادی نسبت به سایر امور در برهه زمانی کنونی را آن می‌دانند که اولاً «از جمله اساسی‌ترین کارهای دشمنان ملت ما و کشور ما در مقابله با کشور ما مسائل اقتصادی است» (پیام نوروزی مقام معظم رهبری در سال ۱۳۹۰) و ثانیاً «اگر نظام اسلامی توانایی خود را در حل مشکلات اقتصادی به دنیا و همه ملت‌ها نشان دهد، این موضوع در پیشرفت کشور و عزت ملت ایران تأثیر بسیار زیادی خواهد داشت» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۰۱/۰۱).

از دیدگاه پژوهشگران نیز اقتصاد مقاومتی می‌تواند تعاریف و ابعاد متفاوتی داشته باشد. برای مثال از دیدگاه کامفیروزی؛ بنیادی نائین و موسوی (۱۳۹۲)؛ اقتصاد مقاومتی یک افزونه (نه لزوماً نظام) اقتصادی بومی است که مبتنی بر علم، عقلانیت، اراده عمومی و معارف ناب اسلامی است. این افزونه به منظور افزایش ثروت عمومی پدید ساختن عدالت اقتصادی و رفع شکاف بین طبقات اجتماعی، افزایش رفاه عمومی و ریشه‌کن کردن فقر و در جهت رسیدن به نظام اقتصادی اسلامی که قابلیت پیاده‌سازی در تمدن بزرگ اسلامی را دارد به‌کار می‌رود. جامی، ایمانی مقدم، و تنها (۱۳۹۱) نیز، بر این باورند که اقتصاد مقاومتی سیستمی است که درصدد است با محوریت توسعه منابع انسانی، انضباط و قانونمندی، رشد و پایداری اقتصادی را برقرار سازد. اقتصاد مقاومتی یعنی تشخیص حوزه‌های فشار یا در شرایط کنونی تحریم و در پی آن تلاش برای کنترل

و بی‌اثر کردن و در شرایط آرمانی تبدیل چنین فشارهایی به فرصت که به‌طور قطع باور و مشارکت همگانی و اعمال مدیریت‌های عقلایی و مدیرانه پیش‌شرط و الزام چنین موضوعی است. اقتصاد مقاومتی کاهش وابستگی‌ها و تأکید روی مزیت‌های تولید داخلی و تلاش برای خوداتکایی است (فشاری و پورغفار، ۱۳۹۳).

از این رو با توجه به تعاریف ارائه شده می‌توان به این نتیجه دست یافت که اغلب تعاریف ارائه شده همگی نمود و تعریف مجددی از تعریف اقتصاد مقاومتی در بیان رهبر معظم انقلاب اسلامی می‌باشند. در واقع مهم‌ترین ویژگی‌های اقتصاد مقاومتی را می‌توان در فرایندی بومی، راهبردی، جهادی و به مثابه یک سیستم قلمداد نمودن آن در راستای دستیابی به اهداف توسعه و خوداتکایی دانست. بنابراین با توجه به تعاریف ارائه شده و بررسی پیشینه پژوهشی موجود در این زمینه اقتصاد مقاومتی باید بتواند به مثابه یک اقدام جهادی و راهبردی و با رویکرد سیستمی پاسخگویی نیازهای جامعه باشد و شرایط لازم را جهت محقق نمودن اهداف و آرمان‌های نظام در محدوده زمانی تعیین شده در افق ۱۴۰۴ را فراهم آورد. لذا نظام اقتصادی کشور باید در چارچوب سیستمی رفتاری از سلامت لازم در سطح مختلف فردی، بخشی، سازمانی، محلی، منطقه‌ای و ملی برخوردار باشد تا بتواند بسترهای لازم برای توسعه و تحول در نظام اقتصادی را به وجود آورد. در واقع باید گفت نظام اقتصادی کشور در قالب کارکردها و مجموعه فعالیت‌های اساسی که بر می‌گزیند به ایفای نقش و وظیفه خود در کشور می‌پردازد. لذا، این نظام باید از سلامت لازم برای پاسخگویی به نیازهای جامعه و تحقق مأموریت‌هایش برخوردار باشد و از سوی دیگر زمینه بقای معنادار نظام اقتصادی و پاسخگویی اثربخش به جامعه نیز تضمین گردد.

به نظر می‌رسد جهت دستیابی به اهداف راهبردی یاد شده، استفاده از رویکردی نظام‌گرا و سیستمی در زمینه عملی‌سازی اهداف اقتصاد مقاومتی ضروری است. این سیستم باید مبتنی بر یک زیرمایه مفهومی متقن و در ساختاری مناسب تدوین گردد. بنابراین توسعه چنین نظام رفتاری اثربخشی مستلزم تحقق سیستمی متشکل از سه بعد مفهومی^۳، ساختاری^۴ و عملکردی^۵ است (ترک‌زاده، ۱۳۸۸؛ ترک‌زاده، نکومند و دهقان هراتی، ۱۳۹۲؛ ترک‌زاده و نکومند، ۲۰۱۵). این ابعاد می‌تواند در متن رویکرد راهبردی

و با یک رهبری مناسب مبنای اقدام برای تحقق احسن کارکردهای اقتصاد مقاومتی قرار بگیرد و زمینه‌های مساعدی را جهت پاسخگویی، انسجام و اثربخشی سیستم اقتصادی کشور فراهم آورد. در واقع ایجاد اقتصادی متکی بر دانش و فناوری، عدالت بنیان، درون‌زا و برون‌گرا، پویا و پیشرو تنها زمانی می‌تواند توسعه یابد که در قالب چارچوبی از درک و معنا، توسعه ساختاری مناسب و تدوین الزامات عملکردی آن مورد توجه واقع گردد.

بر این اساس انتظار می‌رود اقتصاد مقاومتی در قالب مفهوم جدیدی از اقدامات عملی و یک سیستم رفتاری که مبتنی بر سلامت سازمان‌یافته (انسجام، اثربخشی و پاسخگویی) است و دارای پتانسیل‌های لازم جهت انتقال از الگویی مفهومی به نظامی رفتاری است. این نظام می‌تواند زمینه‌های لازم را برای مدل‌سازی بومی، برنامه‌ریزی و شکوفایی اقتصاد ملی، اصلاح الگوی مصرف، حمایت از تولید داخلی، بهره‌وری، عزت‌مداری، مشارکت، ارائه خدمات جدید و ... را به نمایش بگذارد و به‌عنوان یک الگوی مهندسی شده جهانی مستلزم توسعه نظامی رفتاری و عملکردی برای تحقق اهداف این الگو می‌باشد.

با توجه به اوصاف یاد شده و همچنین با توجه به اینکه از دیدگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی یکی از مهم‌ترین الزامات اقتصاد مقاومتی تبیین دانشگاهی و آکادمیک آن است (۱۳۹۱/۵/۱۶)؛ این پژوهش در صدد است تا با رویکرد بازمفهوم‌پردازی مبتنی بر بافت‌نگاری^۶ مقوله اقتصاد مقاومتی را در چارچوب یک نظام رفتاری متقن و عمل‌پذیر مورد بررسی و تبیین قرار دهد. از این رو در بخش اول مقاله پیشینه مرتبط با اقتصاد مقاومتی مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس این نظام در قالب رویکردی سیستمی و نظام رفتاری مورد بحث، بررسی و تبیین قرار می‌گیرد و بر این اساس چارچوب جدیدی از مقوله اقتصاد مقاومتی مطرح و پیگیری می‌گردد.

۱. پیشینه پژوهش

۱-۱. اقتصاد مقاومتی

همان‌طور که ذکر شد پژوهشگران تعاریف مختلفی برای اقتصاد مقاومتی بیان نموده‌اند که همگی بیانگر ویژگی‌های ذکر شده در بیان مقام معظم رهبری در خصوص این مقوله

می‌باشد. اقتصاد مقاومتی شکل خاصی از نظام اقتصادی اسلامی است که در وضعیت تهدید اقتصادی دشمن با تغییر اولویت‌ها و اهداف نظام اقتصادی و تغییر متناسب با آن در اصول راهبردی و سیاست‌های کلی نظام پدید می‌آید (میرمعزی، ۱۳۹۱؛ درخشان، ۱۳۹۳). از این رو اقتصاد مقاومتی دارای بینشی اسلامی و با نظام‌های رایج سرمایه‌داری دنیا متفاوت خواهد بود. در واقع هرگاه ارزش‌ها و هنجارها در تعریف مفاهیم، سیاست‌ها، قوانین، ساختارها، ضوابط و مدیریت اقتصادی، حول محور ارزش‌های «اقتصاد سرمایه‌داری» قرار دارد، نمی‌توان از تولید ثروت بر پایه جهاد و مقاومت و اخلاص و ایثار سخن گفت، زیرا خاستگاه اقتصاد سرمایه‌داری این‌ها نیست (اصغری، ۱۳۹۵).

به سبب همین تغییر خاستگاه است که مقام معظم رهبری در تبیین خاستگاه اقتصاد مقاومتی می‌فرماید: «این اقتصاد (اقتصاد مقاومتی)، عدالت محور است؛ یعنی تنها به شاخص‌های اقتصاد سرمایه‌داری - مثل رشد ملی، تولید ناخالص ملی - اکتفا نمی‌کند؛ بحث این‌ها نیست که بگوییم رشد ملی این قدر زیاد شد، یا تولید ناخالص ملی این قدر زیاد شد؛ که در شاخص‌های جهانی و در اقتصاد سرمایه‌داری مشاهده می‌کنید. در حالی که تولید ناخالص ملی یک کشوری خیلی هم بالا می‌رود، اما کسانی هم در آن کشور از گرسنگی می‌میرند! را ما قبول نداریم. بنابراین شاخص عدالت - عدالت اقتصادی و عدالت اجتماعی - در جامعه یکی از شاخص‌های مهم در اقتصاد مقاومتی می‌باشد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳/۱/۱). بدین جهت در راستای تدوین نظام رفتاری اثربخش به منظور تبیین و تجویز راهکارهای عملیاتی برای اتخاذ اقدام و عمل مناسب در این راستا نیز باید ارزش‌ها و باورهای اسلامی مد نظر قرار گیرد و در کنار مفهوم‌پردازی‌ها در عرصه عمل به نظام سرمایه‌داری و ارزش‌های آن روی نیاورد.

البته باید توجه داشت که اقتصاد مقاومتی با ریاضت اقتصادی متفاوت است. ریاضت اقتصادی به طرحی گفته می‌شود که دولت‌ها برای کاهش هزینه‌ها و رفع کسری بودجه، به کاهش و یا حذف ارائه برخی خدمات و مزایای عمومی دست می‌زنند. این طرح که به منظور مقابله با کسری بودجه توسط برخی دولت‌ها انجام می‌شود گاهی اوقات به افزایش میزان مالیات و افزایش دریافت وام‌ها و کمک‌های مالی خارجی می‌انجامد. در مقابل اقتصاد مقاومتی مفهومی است که در پی مقاوم‌سازی،

بحران‌زدایی و ترمیم ساختارها و نهادهای فرسوده و ناکارآمد موجود اقتصادی مطرح می‌شود که به‌طور قطع باور و مشارکت همگانی و اعمال مدیریت‌های عقلایی و مدبرانه، پیش‌شرط و الزام چنین موضوعی است. اقتصاد مقاومتی کاهش وابستگی‌ها و تأکید روی مزیت‌های تولید داخلی و تلاش برای خود اتکایی است (فشاری و پورغفار، ۱۳۹۳). از این‌رو یکی از مهم‌ترین پیش‌شرط‌های اقدام و عمل مقتضی در راستای ایفای نقش صحیح دستگاه‌های دولتی برای اجرا نمودن اهداف الگوی اقتصاد مقاومتی شناخت ویژگی‌ها و درک ماهیت و مفهوم آن و البته تفاوت آن با سایر الگوهای رایج می‌باشد.

باید اذعان نمود که در ادبیات اقتصادی جهان، اقتصاد مقاومتی مفهومی جدید است اگرچه کمتر بر آن تأکید شده است. با این وجود اصطلاحات و نظریه‌هایی را می‌توان ذکر نمود که نزدیکی و شباهت با آن دارند. نظریه «فتریت اقتصادی» بریگاگلیو و پیسینینو^۷ (۲۰۰۹) از جمله آن‌هاست. بریگاگلیو بیان می‌دارد که اصطلاح فتریت اقتصادی به دو مفهوم به‌کار می‌رود: اول، توانایی اقتصاد برای بهبود سریع از شوک‌های اقتصادی تخریب‌کننده خارجی؛ دوم، توانایی اقتصاد برای ایستادگی در برابر آثار این شوک‌ها (بریگاگلیو و پیسینینو، ۲۰۰۹). از دیدگاه پژوهشگران نظریه فتریت اقتصادی یکی از مهم‌ترین نظریاتی که به اقتصاد مقاومتی شباهت بسیار دارد؛ اما همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد مبنای آن نظام سرمایه‌داری خواهد بود.

یکی از مهم‌ترین اهداف اقتصاد مقاومتی اجرایی نمودن اصل ۴۴ قانون اساسی است که از مهم‌ترین پیامدهای آن محدودسازی اقتصاد دولتی و آزادسازی اقتصاد است. بنابراین اقتصاد مقاومتی فعال و پویا نیازمند برنامه‌ریزی استراتژیک و راهبردی، مبتنی بر مردمی کردن اقتصاد از طریق میدان دادن بیشتر به فعالان بخش خصوصی و رفع موانع و مشکلات این بخش می‌باشد. از این‌رو آنچه جای نگرانی است، تحریم خارجی نیست بلکه نگرانی در خصوص موانع تولید و تجارت در داخل کشور است که گاهی شدیدتر از تحریم‌ها عمل می‌کند (لواسانی، ۱۳۹۱). از این‌رو به منظور اتخاذ رویکردی راهبردی برای شناخت و تبیین الگوی اقتصاد مقاومتی شناخت الگوهای مختلف آن و از طرفی درک شرایط فعلی کشور و اتخاذ رویکرد مناسب در این راستا ضروری به نظر می‌رسد زیرا در شرایط تحریم و وجود دشمنان داخلی و خارجی باید بتوان از طریق اتخاذ

اقدامات پیش‌گسترانه و مدبرانه زمینه‌های لازم برای موفقیت در شرایط بحران را فراهم نمود.

۲-۱. الگوهای اقتصاد مقاومتی

اقتصاد موازی: الگوی اول از اقتصاد مقاومتی الگوی اقتصاد موازی است؛ یعنی همان‌طور که انقلاب اسلامی با توجه به نیاز خود به نهادهایی با روحیه و عملکرد انقلابی اقدام به تأسیس نهادهایی مانند کمیته امداد، جهاد سازندگی، سپاه پاسداران و بنیاد مسکن نمود، امروز نیز می‌بایست برای تأمین اهداف انقلاب این پروژه را ادامه داده و تکمیل کند؛ چرا که انقلاب اسلامی به اقتصاد مقاومتی و به نهادهای مقاومتی در اقتصاد نیاز دارد که در عمل از عهده نهادهای رسمی اقتصادی برنمی‌آید. به‌عنوان مثال می‌توان از حضور همزمان نهادهای دولتی، سازمان‌های مردم‌نهاد، خیریه و بنگاه‌های خصوصی در عرصه بهداشت و سلامت یا حتی در عرصه دفاعی و امنیتی کشورهای توسعه‌یافته غربی نام برد. البته مهم‌ترین محدودیت این الگو این است که حسب نیازهای خاص انقلاب اسلامی و در عرصه اجرا با پرسش‌های نوینی روبرو خواهد بود، زیرا به‌عنوان مثال هیچ‌تصوری از بانک مرکزی موازی در یک کشور و سامان‌بخشی به عرصه پولی مالی کشور در بخش‌های دولتی و عمومی وجود ندارد، اما باز هم نمی‌توان این الگو را در زمره مدل‌های اداره‌نشده و غیرمعقول به حساب آورد (تاج‌آبادی، ۱۳۹۱).

اقتصاد ترمیمی: الگوی دوم از اقتصاد مقاومتی عبارت از اقتصادی است که در پی مقاوم‌سازی، آسیب‌زدایی، خلل‌گیری و ترمیم ساختارها و نهادهای اقتصادی است. ترمیم و مقاوم‌سازی ساختارهای اجرایی و اداری کشور بر حسب نیازهای مختلف و مقتضیات زمان و مکان هم امری دور از ذهن نیست. کشورهای توسعه‌یافته نیز در دوره‌هایی از تاریخ اقتصادی خود مجبور به مقاوم‌سازی ساختارهای اقتصادی شدند؛ به‌عنوان مثال غرب پس از ۲ شوک نفتی ۱۹۷۹ و ۱۹۸۳، اقدام به جایگزینی سوخت‌های فسیلی با سایر سوخت‌های نوین نمود به‌طوری‌که امروزه با قیمت‌های بالای ۱۰۰ دلار نیز دچار شوک نفتی نمی‌شود (پیغامی، ۱۳۹۱).

اقتصاد دفاعی: الگوی سوم از اقتصاد مقاومتی، متوجه هجمه‌شناسی، آفندشناسی و

پدافندشناسی ما در برابر آن هجمه است. بنابراین زمانی به اقتصاد مقاومتی دست یافته‌ایم که ابزارها و شیوه‌های هجمه دشمن را پیشاپیش شناخته باشیم و بر اساس آن‌ها استراتژی مقاومت خود را علیه آنان تدوین و اجرا کنیم. بدیهی است تا آفند دشمن شناخته نشود، مقاومت متناسب با آن نیز طراحی و اجرا نخواهد شد (تاج‌آبادی، ۱۳۹۱).

اقتصاد الگو: چهارمین الگو نیز این است که اساساً اقتصاد مقاومتی تنها یک رویکرد کوتاه‌مدت سلبی و اقدامی پدافندی نیست؛ بر خلاف ۳ الگوی قبلی که اقتصاد مقاومتی را یا پدافندی یا کوتاه‌مدت می‌دانستند، این رویکرد چشم‌اندازی کلان به اقتصاد جمهوری اسلامی ایران دارد و یک اقدام بلندمدت را شامل می‌شود. در این رویکرد ما در پی اقتصاد ایده‌آلی هستیم که هم اسلامی باشد و هم ما را به جایگاه نخست اقتصاد منطقه برساند؛ اقتصادی که برای جهان اسلام الهام‌بخش و کآمد بوده و زمینه‌ساز تشکیل تمدن بزرگ اسلامی باشد. بر این اساس در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، یکی از مؤلفه‌های مهم الگو می‌بایست متضمن مقاومت و تحقق آن باشد. در این مقوله است که اقتصاد مقاومتی مشتمل بر اقتصاد کارآفرینی و ریسک‌پذیری و نوآوری می‌شود (پیغامی، ۱۳۹۱).

اقتصاد کارآفرینی و تحقیق و توسعه: پنجمین الگو از اقتصاد مقاومتی، مسئله کارآفرینی و فرآیند تحقیق و توسعه است. در این بخش که نقطه عطف تمام این موارد پنج‌گانه محسوب می‌شود، اصل بحث مربوط به نوآوری و تحقیق و توسعه و همچنین کارآفرینی داخلی است. در این زمینه باید برنامه‌ریزی جامع و مدونی انجام شود تا هم زمینه تحقیق و توسعه فراهم شود و فرآیند تخصیص بودجه برای این کار اصلاح و تسهیل شده و زمینه‌های کارکردی آن نیز مورد توجه قرار گیرد و هم تدابیری اندیشیده شود که متخصصان و استعدادهای برتر در داخل کشور جذب شوند و امکاناتی در اختیارشان قرار گیرد تا رغبت این افراد برای فعالیت در داخل کشور افزایش یافته و تکنولوژی‌ای که در کشورهای پیشرفته به‌طور مرتب در حال به‌روز شدن است در داخل و با استفاده از تقویت فرآیند تحقیق و توسعه انجام شود (تاج‌آبادی، ۱۳۹۱).

۳-۱. اقتصاد مقاومتی به مثابه یک نظام رفتاری

اقتصاد مقاومتی الگوی جدیدی است که در دنیا کمتر مورد توجه و پژوهش قرار گرفته است. در ایران نیز آثار کمی به تبیین اقتصاد مقاومتی پرداخته‌اند و فقط در سال‌های اخیر پس از عنایت ویژه مقام معظم رهبری به آن، مقالاتی درباره آن نوشته شده است، با این حال ادبیات موجود در مسیر توسعه و تکامل بوده لازم است این نظریه تبیین بیشتری شود و از پشتوانه علمی و عملی قابل اتکایی برخوردار شود. اقتصاد مقاومتی در واقع یک نظام اقتصادی است که هماهنگ با سیاست‌های کلان سیاسی و امنیتی نظام اسلامی و برای مقاومت در برابر اقدامات تخریبی شکل می‌گیرد. هدف اصلی شکل‌گیری اقدامات مرتبط با اقتصاد مقاومتی تلاش برای ایستادگی در برابر ضربات اقتصادی تحریم‌ها و توطئه‌های گوناگون اقتصادی نظام استکبار و رشد و توسعه در ابعاد ملی، منطقه‌ای و جهانی است. از این رو دستیابی به اهداف اقتصاد مقاومتی مستلزم ارتقای سطح پاسخگویی، انسجام و اثربخشی نظام در ابعاد مختلف می‌باشد و تنها در سایه شکل‌گیری یک نظام رفتاری پاسخگو و متقن می‌توان به این اهداف دست یافت.

بدیهی است زمانی که نظام رفتاری متناسب با اهداف الگوی اقتصاد مقاومتی تبیین و توسعه یابد می‌توان انتظار داشت که سیستم اقتصادی از سلامت لازم برخوردار است و می‌تواند پاسخگوی اهداف توسعه و روند روبه‌رشد نظام اقتصادی در شرایط تحریم باشد. از این رو پاسخگویی یکی از مهم‌ترین ابعاد است که در هر سیستم رفتاری می‌تواند زمینه اثربخشی مستمر و مداوم آن را فراهم نماید. از طرفی اثربخشی و موفقیت هر سیستمی با عملکرد آن گره خورده است؛ تا آنجا که می‌توان گفت بهبود عملکرد سیستم که خود مستلزم بهبود فرآیندها و نتایج مرتبط می‌باشد، می‌تواند تأثیر بسزایی در اثربخشی و البته تضمین بقا و توسعه آن سیستم در محیط داشته باشد. بهسازی و توسعه عملکرد هر سیستمی، عملاً زمینه تحقق مأموریت‌ها و مطلوبیت‌های سازمان و پاسخگویی به محیط و به عبارتی تحقق فلسفه وجودی آن را فراهم می‌سازد (ترک‌زاده، عبدشرفی و نهاوندی، ۱۳۹۳). در راستای دستیابی به اهداف الگوی اقتصاد مقاومتی برنامه‌های توسعه یکی از مهم‌ترین ابزارهایی می‌باشند که می‌تواند در بعد عملکردی و پاسخگویی سیستم اقتصادی مفید قلمداد شود و قادر است زمینه دستیابی

به اهداف جهاد اقتصاد مقاومتی را فراهم نمایند. اما متأسفانه برنامه‌های توسعه نتوانسته‌اند تاکنون پاسخگوی نیاز جامعه در مورد طرح جهاد اقتصادی باشد (علوی‌منش، ۱۳۹۲). از این رو باید بتوان در جهت دستیابی به اهداف اقتصاد مقاومتی برنامه‌هایی تدوین نمود که زمینه‌های لازم برای پاسخگویی اثربخش به جامعه را فراهم آورند.

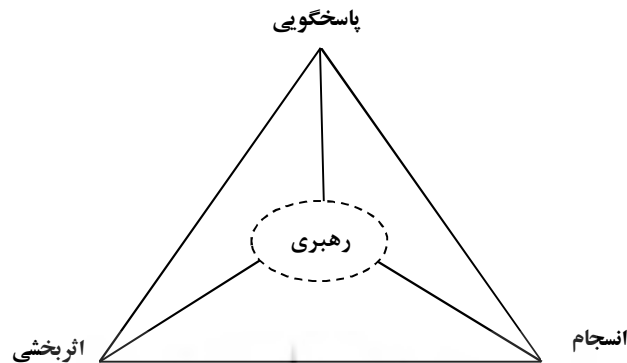
از سوی دیگر هدف اقتصاد مقاومتی بازسازی و احیای اقتصاد ملی است. این نوع اقتصاد، مردمی است و از ظرفیت‌های مردم و نخبگان در آن استفاده می‌شود، ضمن اینکه از دانش فنی دنیا هم در آن استفاده می‌شود (رضایی، ۱۳۹۱). اقتصاد مقاومتی یعنی اقتصادی که با توجه به همه قوت‌ها، ضعف‌های داخلی و خارجی، تهدیدها و فرصت‌های بیرونی سناریوسازی می‌کند و برای هر شرایطی برنامه دارد، محیط‌سنج است و درون و برون را به خوبی می‌شناسد و برای تغییرات واکنش مناسبی دارد (حسین‌زاده بحرینی، ۱۳۹۲). بنابراین ویژگی‌های یاد شده را می‌توان از مهم‌ترین مؤلفه‌های مورد نظر در باب پاسخگویی نظام اقتصاد مقاومتی برشمرد. در واقع پاسخگویی هدف هر سیستم اجتماعی می‌باشد و عمدتاً دارای جهت‌گیری بیرونی می‌باشد زیرا می‌تواند از طریق بهبود عملکرد و افزایش اثربخشی در پاسخگویی به محیط توانمندی‌ها و پتانسیل‌های موجود را دوچندان سازد (ترک‌زاده و عبدشرفی، ۱۳۹۴). در واقع زمانی پاسخگویی و کنش مؤثر در مقابل حجمه‌های درونی و بیرونی می‌تواند مفید قلمداد شود که اثربخشی لازم برای مواجهه با آن‌ها را داشته باشد. از این رو اثربخشی از دیگر ابعاد مهم سلامت است که زمانی محقق می‌گردد که متناسب با اهداف، ارزش‌ها و مطلوبیت‌های سیستم عمل نماید.

در این زمینه می‌توان گفت تعیین اهداف و مطلوبیت‌های سازمانی به نوعی القاکننده مفهوم اثربخشی سازمانی است؛ چرا که در تعریف اثربخشی سازمانی نیز آمده است که به معنای تحقق اهداف و مطلوبیت‌های سازمانی می‌باشد (هوی، میسکل و تارتتر^۱، ۲۰۱۳؛ رابینز، ۱۳۹۱). در واقع اثربخشی سازمانی متضمن داشتن چشم‌انداز مطلوب و در راستای بهبود عملکرد و بهره‌وری سیستم است و از طرفی نشان‌دهنده هدفمندی و تعیین مأموریت‌هایی در این زمینه می‌باشد. از این رو در راستای دستیابی به اثربخشی مقتضی در راستای عملی‌سازی اهداف الگوی اقتصاد مقاومتی باید بتوان

ضمن تبیین اهداف و چشم‌اندازهای مقتضی متناسب با نظام ارزشی اسلامی و از طرفی همسو با مطلوبیت‌های نظام اسلامی و مقتضیات درونی و بیرونی آن به نحو مؤثری اثربخشی لازم را به وجود آورد.

نهایتاً اثربخشی و پاسخگویی سیستم رفتاری موجود، مستلزم وجود هماهنگی و همسویی و ارتباط معنادار اجزاء و فعالیت‌های سازمان و در نتیجه شکل‌گیری یک سیستم مقتدر و کارآمد برای تحقق مطلوبیت‌ها و کارکردهای سازمان^۹ در جامعه می‌باشد؛ حالتی که از آن به‌عنوان انسجام^{۱۰} یاد می‌شود (ترکزاده، نکومند و هراتی، ۱۳۹۲). انسجام سازمانی به‌عنوان نیرویی هماهنگ‌کننده و یکپارچه‌ساز فرآیندهای سازمانی به شمار می‌رود (ترکزاده و همکاران، ۱۳۹۳). از طرفی در مدل‌های مطرح شده در زمینه سلامت سازمانی نیز انسجام سازمانی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابعاد مورد توجه قرار گرفته است. این بعد شامل انسجام گروهی و سازمانی و همچنین انسجام موجود در بین فرآیندهای سازمانی را در بر می‌گیرد (هیوانگ و رامی^{۱۱}، ۲۰۰۴؛ لیک و فریتلر^{۱۲}، ۲۰۱۲). لذا می‌توان گفت منظور از سلامت آن است که سازمان بتواند همزمان با حفظ یکپارچگی و درستکاری درونی خود، به شرایط و اقتضائات محیطی پاسخ دهد و در عین حال اهداف و مطلوبیت‌های خود را برآورده سازد (هوی و میکسل، ۲۰۰۸). اقتصاد مقاومتی نیز رابطه نزدیکی با انسجام ملی دارد. در واقع منظور از اقتصاد مقاومتی واقعی یک اقتصاد مقاومتی فعال و پویاست نه یک اقتصاد منفعل و بسته، به طوری که کشور ضمن مقاومت در مقابل موانع و نامالیقات مسیر خود، روند پیشرفت پایدار خود را حفظ کند (عسکری، ۱۳۹۱). از این رو عواملی از قبیل احساس بی‌نیازی به بیگانگان، یاری جستن از اراده مردم، دادن اطلاعات به مردم در زمینه اقتصادی، توانمندسازی مردم در مشارکت مستقیم آن‌ها در اقتصاد، تکیه بر نیروی انسانی با استعداد، علاقه‌مند و توانا به عنوان سرمایه عظیم و اصلی کشور و تکیه بر سرمایه روحیه (احساس توانایی) در سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی (فرمایشات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۵/۱۹) همگی بیانگر ضرورت وجود انسجام در بین آحاد مردم کشور برای دستیابی به اهداف الگوی اقتصاد مقاومتی می‌باشد. بنابراین به منظور دستیابی به اهداف توسعه در ابعاد ملی، منطقه‌ای و جهانی و از سوی دیگر محقق ساختن الزامات اقتصاد مقاومتی باید بتوان الگوی

سلامت سازمانی را که شامل ابعاد پاسخگویی، انسجام و اثربخشی می‌باشد را در این حوزه محقق نمود. در شکل زیر ابعاد سلامت سازمانی برای پاسخگویی به الزامات اقتصاد مقاومتی آورده شده است.



شکل ۱. ابعاد سلامت سازمانی

با توجه به آنچه ذکر شد، به منظور ایفای عملکرد اثربخش در این راستا باید بتوان با رویکردی سیستمی مقوله اقتصاد مقاومتی را مورد تبیین قرار داد تا بتوان زمینه مساعدی را جهت تشخیص و تجویز راهکارهای مقتضی جهت مقابله با فشارهای بیرونی و تهدیدهای داخلی فراهم نمود. در این راستا، از دیدگاه پژوهشگران توسعه هرگونه نظام رفتاری متضمن ایجاد سه بعد مفهومی، ساختاری و عملکردی است (ترکزاده، ۱۳۸۸؛ ترکزاده و همکاران، ۱۳۹۲).

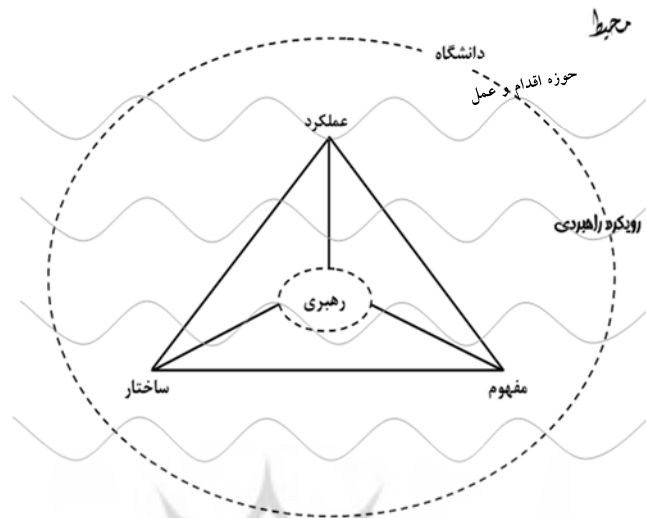
در این نظام رفتاری بعد مفهومی پنداره‌شناختی موجود درباره نقش و ضرورت پاسخگویی به شرایط درونی و محیطی و مزایا، چابکی، ابعاد، ویژگی‌ها، ارزش‌ها و الزامات اساسی آن است. در واقع در این بعد مفهوم کلی و هدف از پاسخگویی، قلمرو، رویکردها، فرآیندها و روش‌های پاسخگویی، ویژگی‌ها و ارزش‌های کارکردی پاسخگویی و الزامات و ملاحظات در جهت تحقق مؤثر پاسخگویی مورد توجه قرار می‌گیرد. در بعد ساختاری جهت‌گیری، ترتیبات و سازوکارهای درونی و محیطی تمهید شده؛ جهت‌گیری راهبردی روشن و مناسب، طرح سازمانی و بستر فرهنگی مهم تلقی می‌گردد و از سوی دیگر در بعد عملکردی فعالیت‌های اصلی (مرکزی)، اقدامات

زمینه‌ساز و پشتیبان، ملاحظات عملکردی؛ در راستای تدوین سیاست‌های لازم برای پاسخگویی فراهم آورده می‌شود (ترکزاده، ۱۳۸۸؛ ترکزاده و همکاران، ۱۳۹۲). در خصوص الگوی اقتصاد مقاومتی باید گفت در مرحله اول باید ماهیت و معنای اقتصاد مقاومتی در قالب فعالیتی همگانی و مشارکتی برای همه افراد درگیر در این فرآیند که آحاد ملت می‌باشند تبیین گردد.

در واقع تا زمانی که معنا و ضرورت اقتصاد مقاومتی به شکل روشنی برای افراد تبیین نشده باشد نمی‌توان انتظار مشارکت هدفمند و درون‌زا در این حوزه را داشت. از این‌رو با توجه به اینکه اقتصاد مقاومتی یک بحث تئوریک محض مختص دانشگاه و حوزه نیست، بلکه بیشتر اقتصاد کاربردی^{۱۳} است. اقتصاد مقاومتی یک شعار نیست، یک واقعیت اقتصادی است که شاخص‌های آن ریشه در عمل دارد، نه حرف (میلانی، ۱۳۹۴). از این‌رو باید ساختار متناسب برای اجرای اهداف الگوی اقتصاد مقاومتی نیز فراهم شود که در این میان می‌توان به نظام مدیریتی اشاره نمود. ساختار نظام اداری و مدیریتی کنونی کشور نمی‌تواند پاسخگوی انتظارات و اهداف الگوی ناب اقتصاد مقاومتی باشد زیرا به دلیل ضعف‌های اجرایی و بنیادینی که دارد نمی‌تواند به شکل پویا، درون‌زا و برون‌گرا به اهداف الگوی اقتصاد مقاومتی جامه عمل بپوشاند. از سوی دیگر عملی‌سازی و کاربرد الگوی اقتصاد مقاومتی تا زمانی که در چارچوب زمانی مشخص و طبق فرمایشات مقام معظم رهبری بی‌درنگ اجرا نگردد و از طرف دیگر برای هر یک از بندهای آن ملاحظات عملکردی در نظر گرفته نشود نمی‌توان به شکل پویایی بیانگر دستیابی به اهداف مورد نظر باشد و سیستم رفتاری موجود نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای جامعه و تضمین بقای سیستم اقتصادی کشور باشد.

از این‌رو باید بتوان الگوی اقتصاد مقاومتی را در سه بعد مفهومی، ساختاری و عملکردی به شکلی تبیین و تدوین نمود که کشش لازم برای پاسخگویی به فشارهای درونی و بیرونی و رویارویی با تحریم‌های بین‌المللی و از طرفی ضعف‌های اقتصادی درونی را داشته باشد. در این شرایط است که اقتصاد مقاومتی می‌تواند حتی در فرآیند فشار، روند رو به رشد اقتصادی در کشور را پایدار نگه دارد و آسیب‌پذیری آن کاهش یابد (سیف، ۱۳۹۱). در شکل زیر ابعاد چهارگانه الگوی سیستمی توسعه نظام‌های

رفتاری نشان داده شده است.



شکل ۲. الگوی سیستمی توسعه نظام‌های رفتاری با اندکی تغییر
منبع: (ترک‌زاده، ۱۳۸۸، ص ۱۳۳)

همان‌طور که در الگوی نظام رفتاری نشان داده شده است رهبری مهم‌ترین عاملی است که در مدل سلامت مورد توجه قرار می‌گیرد و سایر کارکردهای مفهومی، ساختاری و عملکردی تنها به وسیله ایفای نقش رهبری به‌عنوان مرکز ثقل این مدل محقق می‌گردد. باید اذعان نمود که رهبری و کیفیت آن می‌تواند بر اثربخشی و کارایی سازمان تأثیر گذاشته و بر فرآیندهای آن کنترل اعمال نماید (هیوانگ و رامی، ۲۰۰۴؛ پولین و لکلرک^{۱۴}، ۲۰۰۶؛ لیک و فریتلر، ۲۰۱۲؛ فیشر، سیچ و سیچ^{۱۵}، ۲۰۰۷). از این رو رهبری می‌تواند به‌عنوان زمینه و عامل بسترساز به نحوی عمل نماید که زمینه‌ساز و هدایت‌کننده پاسخگویی، اثربخشی و انسجام سازمانی باشد و به عبارتی این سه کارکرد در بطن رهبری اتفاق بیفتند. رهبری می‌تواند عاملی اثربخش در همسوسازی ابعاد سه‌گانه اثربخشی، انسجام و پاسخگویی باشد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود آگاه‌سازی و توانمندسازی مردم، استفاده از استعداد، اراده و حس توانایی آن‌ها و مشارکت مستقیم و حضور مردم در جهاد اقتصادی از اصلی‌ترین تأکیدات فرآیند جهاد اقتصادی از دید

رهبری است که همه این اقدامات تنها از طریق تأثیر و نفوذ رهبری اثربخش حاصل می‌گردد. زیرا رهبر است که می‌تواند الزامات و پیش‌نیازهای جهاد اقتصادی را که شامل داشتن روحیه جهادی، استحکام تدین و معنویت در جامعه، پرهیز از مسائل حاشیه‌ای و حاشیه‌سازی‌ها، اتحاد کلمه، همدلی، همکاری و احساس برادری و مجاهدت عمومی را فراهم آورد. ایشان در مورد اتحاد کلمه و وحدت بر لزوم حفظ اتحاد و انسجام ملی در میان مردم، مردم و مسئولان و در میان مسئولان تأکید کرده و با هشدار جدی به مسئولان سه قوه در خصوص طرح گلابه‌ها از یکدیگر در سطح افکار عمومی، این نحوه گله‌گذاری را موجب ناراحتی و یأس مردم دانسته‌اند. از این رو باید توجه داشت که ایجاد سلامت در نظام اقتصادی متضمن وجود سه ضلع پاسخگویی، اثربخشی و انسجام سازمانی است که در بطن رهبری اثربخش اتفاق می‌افتد. زمانی که سلامت سازمانی در این ابعاد محقق گردد و در کنار آن نظام رفتاری متناسب نیز براساس ابعاد مفهومی، ساختاری و عملکردی شکل گیرد می‌توان انتظار داشت که اهداف نظام اقتصاد مقاومتی محقق گردد.

براساس اوصاف ذکر شده و بررسی پیشینه پژوهشی موجود، همان‌طور که ذکر شد در پژوهش حاضر براساس رویکرد نظام رفتاری به تبیین الگوی اقتصاد مقاومتی و تشریح ابعاد و عناصر آن در قالب سه بعد مفهومی، ساختاری و عملکردی پرداخته شده است.

۴. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر طرح، کیفی از نوع مطالعه موردی مبتنی بر بافت یا بافت‌نگاری بوده و از نظر هدف در زمره پژوهش‌های بنیادی قرار می‌گیرد که با روش تحلیل مضمون^{۱۶} انجام گرفته است. روش مبتنی بر بافت یا بافت‌نگاری روشی در رویکرد پژوهش‌های کیفی است که به کارکرد آن جایگذاری دانش جدید در خصوص پدیده خاصی در زمینه دانش موجود و پیوند آن به بدنه دانش موجود می‌باشد (کولر، ۲۰۱۵). روش تحلیل محتوای کیفی نیز یکی از مهم‌ترین روش‌های تحلیل کیفی است که جهت تحلیل داده‌های متنی به کار برده می‌شود و بر محتوا و یا معنای زمینه‌ای متن که حاصل مصاحبه، مشاهده، کتاب‌ها، و یا اسناد موجود است، مورد نظر تأکید دارد (کندراکی و

ولمن^{۱۷}، ۲۰۰۲؛ سیه و شانون^{۱۸}، ۲۰۰۵؛ کولر، ۲۰۱۵). این روش فرآیندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند. به‌طور کلی، مضمون، ویژگی تکراری و متمایزی در متن است که به نظر پژوهشگر، نشان‌دهنده درک و تجربه خاصی در رابطه با سؤالات تحقیق است. بر مبنای جایگاه مضمون در شبکه مضامین، مضمون‌ها در سه طبقه فراگیر (در کانون شبکه مضامین قرار می‌گیرد)، سازمان‌دهنده (واسط مضامین فراگیر و پایه شبکه است) و پایه (مبئن نکته مهمی در متن است و با ترکیب آن‌ها، مضمون سازمان‌دهنده ایجاد می‌شود) دسته‌بندی می‌شوند (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰). جامعه آماری در پژوهش حاضر، متن فرمایشات مقام معظم رهبری در نظر گرفته شده است که تحلیل مضامین در آن‌ها انجام گرفته است. به منظور تصدیق اعتبار داده‌های پژوهش از مفاهیمی همچون باورپذیری، قابل دفاع بودن و امانتداری استفاده گردیده است. با پذیرش این معیارها، تحقیق حاضر به دلیل نقل عین داده‌ها (فرمایشات مقام معظم رهبری) از اسناد معتبر (بیانات مقام معظم رهبری در جلسات مختلف)، شاخص امانتداری و انتساب داده‌ها به منابع ذکر شده هر دو شاخص باورپذیری و قابل دفاع بودن را دارا می‌باشد.

۵. یافته‌های پژوهش

در مرحله اول، تمامی فرمایشات مقام معظم رهبری در جلسات متعدد، تحلیل و مضامین پایه موجود در آن‌ها استخراج شدند. سپس در مرحله دوم، فهرست مضامین به دست آمده که مشتمل بر ۱۳۰ مفهوم بود، براساس اصول تشابه و تناسب مفهومی آن‌ها تلفیق و تحت عنوان مضامین سازمان‌دهنده گروه‌بندی گردید که همگی زیربنای ایجاد مضمون فراگیر «الگوی اقتصاد مقاومتی» را تشکیل داده‌اند.

جدول ۱- مضامین مرتبط با اقتصاد مقاومتی در فرمایشات مقام معظم رهبری

مضمون فراگیر	مضمون سازمان‌دهنده	مضامین پایه
اقتصاد مقاومتی	درک معنای اقتصاد مقاومتی	<ul style="list-style-type: none"> داشتن اقتصادی رو به رشد با آسیب‌پذیری کمتر در مقابل ترندهای دشمن پیروی از الگوی اقتصادی بومی علمی برآمده از فرهنگ

مضمین پایه	مضمون سازمان دهنده		مضمون فراگیر
<p>انقلابی و اسلامی</p> <ul style="list-style-type: none"> • اقتصاد متکی به دانش و فناوری، عدالت بنیان، درونزا و برون‌گرا، پویا و پیشرو را محقق سازد و الگوئی الهام‌بخش از نظام اقتصادی اسلام 			
	هدف		
	ضرورت		
<ul style="list-style-type: none"> ▪ مقاوم در ساخت درونی خود ▪ مقاوم بودن در مقابل بحران‌ها و جزر و مدهای بین‌المللی ▪ متلاطم نشدن با تغییرات گوناگون در این گوشه و آن گوشه دنیا ▪ درک ضرورت مقاوم بودن در مقابل حربه دشمن 	مقاوم‌سازی اقتصاد		
<ul style="list-style-type: none"> ▪ توسعه توانمندی‌های بخش خصوصی و افزایش حمایت از آن 	حمایت از بخش خصوصی	راهکارها	
<ul style="list-style-type: none"> ▪ توسعه بخش صنعت و کشاورزی 	حمایت از تولید ملی و بخش درونزای اقتصاد		
----	مدیریت منابع ارزی		
<ul style="list-style-type: none"> ▪ از طریق فرهنگ‌سازی (از طریق رسانه‌ها با هدف مصرف کالاهای داخلی) و اقدام عملی (شروع صرفه‌جویی از دولت و استفاده از کالای داخلی) 	مدیریت مصرف		

مضمین پایه	مضمون سازمان دهنده		مضمون فراگیر
<ul style="list-style-type: none"> ▪ اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ قانونی اساسی جهت تقویت بخش خصوصی ▪ توسعه کارآفرینی ▪ جلب حمایت و مشارکت دستگاه‌های دولتی و سیستم بانکی، قوه مقننه و قضائیه 	مردمی کردن اقتصاد		
<ul style="list-style-type: none"> ▪ جایگزین کردن سایر فعالیت‌های اقتصادی درآمدزای دیگر 	کاهش وابستگی به نفت		
<ul style="list-style-type: none"> ▪ اقدام عملی وزارت صنایع، معدن و تجارت و وزارت علوم و ایجاد زمینه‌های مساعد امیدبخش شرکت‌های دانش بنیان 	رسیدگی به اقتصاد دانش بنیان		
<ul style="list-style-type: none"> ▪ با هدف توانمندسازی تولیدات داخلی و تأثیر مستقیم بر زندگی مردم 	فعال کردن واحدهای کوچک و متوسط اقتصادی		
<ul style="list-style-type: none"> • تأمین شرایط و فعال‌سازی کلیه امکانات و منابع مالی و سرمایه‌های انسانی و علمی کشور به منظور توسعه کارآفرینی • افزایش قدرت مقاومت و کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد کشور (توسعه پیوندهای راهبردی و گسترش همکاری و مشارکت با کشورهای منطقه و جهان بویژه همسایگان) • پیشتازی اقتصاد دانش بنیان، پیاده‌سازی و اجرای نقشه جامع علمی کشور و ساماندهی نظام ملی نوآوری • شناسایی و بکارگیری ظرفیت‌های علمی، فنی و اقتصادی برای دسترسی به توان آفندی و اقدامات مناسب • تبیین ابعاد اقتصاد مقاومتی و گفتمان‌سازی آن بویژه در محیط‌های علمی، آموزشی و رسانه‌ای و تبدیل آن به گفتمان فراگیر و رایج ملی • استفاده از دیپلماسی در جهت حمایت از هدف‌های 	<p>جهت‌گیری راهبردی</p>	ساختاری	

مضمین پایه	مضمون سازمان دهنده		مضمون فراگیر
اقتصادی • استفاده از ظرفیت‌های سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای			
<ul style="list-style-type: none"> • توانمندسازی مردم با آموزش مهارت‌های اقتصادی • طراحی استراتژیک روابط اقتصادی و سیاسی بلندمدت کشور با سایر کشورها • طراحی طرح جهاد اقتصادی با تأکید بر الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت • تعیین الگوی توسعه صنعتی کشور • تعیین استراتژی نقشه جامع علمی کشور و آمایش سرزمین • مقابله جدی با علل و گلوگاه‌های بروز فساد اقتصادی • نظارت مؤثر و جدی مجلس بر حسن اجرای قوانین • اصلاح ساختار اقتصاد به سمت اقتصاد دانش بنیان با ویژگی‌های این اقتصاد • تغییر ساختار مدیریتی در هماهنگی دیپلماسی و اقتصاد مقاومتی • تغییر نظام اداری موجود کشور • اصلاح ساختار نظام بانکی • ارتقای کمی و کیفی بازارهای مالی با تأکید بر کارایی، شفافیت و سلامت 	طرح سازمانی		
<ul style="list-style-type: none"> • تقویت فرهنگ جهادی در ایجاد ارزش افزوده، تولید ثروت و بهره‌وری • توسعه نقش سازنده رسانه ملی در ایجاد فرهنگ حمایت از مصرف داخلی • فرهنگ‌سازی در خانواده‌ها از طریق توجیه نقش آنان در مدارس و دانشگاه‌ها • استفاده از فکرها و اندیشه‌های صاحب‌نظران • استفاده از سرمایه‌های مردمی • استفاده از همه ظرفیت‌های دولتی 	بستر فرهنگی		

مضمین پایه	مضمون سازمان دهنده		مضمون فراگیر
<ul style="list-style-type: none"> • تبیین فرهنگ اقتصادی یک انسان مسلمان و اشاعه آن در جامعه 			
<ul style="list-style-type: none"> • تهیه قوانین و مقررات لازم و تدوین نقشه راه برای عرصه‌های مختلف • فراهم‌سازی زمینه و فرصت مناسب برای نقش‌آفرینی مردم و همه فعالان اقتصادی • شفاف و روان‌سازی نظام توزیع و قیمت‌گذاری و روزآمدسازی شیوه‌های نظارت بر بازار • توسعه حوزه عمل مناطق آزاد و ویژه اقتصادی کشور به منظور انتقال فناوری‌های پیشرفته، گسترش و تسهیل تولید، صادرات کالا و خدمات و تأمین نیازهای ضروری و منابع مالی از خارج • محور قراردادن رشد بهره‌وری در اقتصاد با تقویت عوامل تولید و توانمندسازی نیروی کار • رقابت‌پذیری اقتصاد و ایجاد بستر رقابت بین مناطق و استان‌ها • ترجیح مصرف کالای داخلی بر کالای خارجی • به‌کارگیری ظرفیت و قابلیت‌های متنوع در جغرافیای مزیت‌های مناطق کشور 	<p>فعالیت‌های اصلی (مرکزی)</p>	<p>عملکردی</p>	
<ul style="list-style-type: none"> • اصلاح نظام درآمدی دولت با افزایش سهم درآمدهای مالیاتی • ارتقای سهم بخش خصوصی در اقتصاد • تثبیت شدت نوسانات نرخ ارز • افزایش سطح اشتغال • تثبیت سطح عمومی قیمت‌ها • صرفه‌جویی در هزینه‌های عمومی کشور با تأکید بر تحول اساسی در ساختارها، منطقی‌سازی اندازه دولت و حذف دستگاه‌های موازی و غیرضرور و هزینه‌های زاید 	<p>اقدامات زمینه‌ساز</p>		

مضمین پایه	مضمون سازمان دهنده		مضمون فراگیر
<ul style="list-style-type: none"> • افزایش ذخایر راهبردی نفت و گاز کشور به منظور اثرگذاری در بازار جهانی نفت و گاز و تأکید بر حفظ و توسعه ظرفیت‌های تولید نفت و گاز، بویژه در میداین مشترک • افزایش پوشش استاندارد برای کلیه محصولات داخلی و ترویج آن. 			
<ul style="list-style-type: none"> • شفاف‌سازی اقتصاد و سالم سازی آن و جلوگیری از اقدامات، فعالیت‌ها و زمینه‌های فسادزا در حوزه‌های پولی، تجاری و ارزی • حمایت همه‌جانبه هدفمند از صادرات کالاها و خدمات به تناسب ارزش افزوده و با خالص ارزآوری مثبت • قناعت (ساده‌زیستی و دوری از تجملات) • مدیریت مصرف • کارآفرینی، سرمایه‌گذاری و توسعه اشتغال مولد و اعطای نشان اقتصاد مقاومتی به اشخاص دارای خدمات برجسته در این زمینه • اصلاح و تقویت همه‌جانبه نظام مالی کشور با هدف پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی، ایجاد ثبات در اقتصاد ملی و پیشگامی در تقویت بخش واقعی • اقدام قوای کشور نسبت به اجرای ابلاغیه (براساس اصول اقدام بی‌درنگ و زمان بندی مشخص) 	ملاحظات عملکردی		

منبع: یافته‌های تحقیق

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش کیفی، بافت‌نگاری اقتصاد مقاومتی به مثابه یک نظام رفتاری مورد توجه و بررسی قرار گرفت و با تأکید بر رویکرد بافت‌نگاری و با استفاده از روش تحلیل مضمون فرمایشات مقام معظم رهبری در خصوص اقتصاد مقاومتی به مثابه یک نظام رفتاری متقن و عمل‌گرا مورد کاوش و بررسی قرار گرفت. بر این اساس هر نظامی به منظور پاسخگویی به جامعه و ایفای کارکردهای نهادی خود باید بتواند در بعد

عملکردی به خوبی ایفای نقش نماید و دستیابی به این هدف نیز مستلزم گزینش فرآیندهای مناسب و از سوی دیگر تلاش برای دستیابی به نتایج مورد توجه می‌باشد. در راستای تحقق این امر و شکوفایی عملکرد انسجام و اثربخشی در ابعاد یاد شده ضروری است تا بتوان به هدف غایی سیستم که همان پاسخگویی مفید، مؤثر و بهنگام به محیط است، دست یافت. از طرفی دستیابی به این امر مستلزم شکل‌گیری نوعی نظام رفتاری متقن و پویاست که بتواند ضمن انتقال معنا و مفهوم اقتصاد مقاومتی؛ ساختار و عملکرد مؤثری را نیز شکل دهد که این امر توسط رهبری اتفاق می‌افتد. از این‌رو رهبری از طریق مفهوم‌سازی و پیشبرد کار و جهت‌دهی به فرآیندهای عملکردی و تعیین بایسته‌های ساختاری به پویایی نظام رفتاری در جهت پاسخگویی و تحقق اهداف نظام منجر خواهد شد. براساس اهداف یادشده پژوهش حاضر با استفاده از رویکرد بافت‌نگاری، نهایتاً چارچوب رفتاری پیشنهادی در قالب سه بعد مفهومی، ساختاری و عملکردی تدوین و ارائه گردید.

با توجه به نتایج پژوهش حاضر می‌توان گفت براساس یافته‌های حاضر مفهوم‌سازی و پردازش بافت معنایی اقتصاد مقاومتی به خوبی صورت پذیرفته است و از سوی دیگر الزامات عملکردی نیز تعیین شده است. اما باید توجه داشت که هر چارچوب مفهومی و دیدگاهی به‌منظور عملی شدن و نشان دادن قابلیت‌ها و شایستگی‌های خود باید بتواند در عمل آزمون شود و کارکرد داشته باشد. از این‌رو باید توجه داشت که الگوی مربوطه اگر نتواند کارکردهای مورد نظر خود را محقق نمایند نمی‌تواند عملکرد مؤثری در پی داشته باشد و از طرفی به بازتولید معنا و مفهومی پویا و منسجم منجر گردد. در حوزه اقتصاد مقاومتی نیز شواهد حاکی از آن است که مفهوم و ملاحظات عملکردی به خوبی روشن گردیده است اما در حوزه طرح و بستر سازمانی ضعف وجود دارد. در واقع بستر سازمانی نقطه عطف تبدیل مفهوم به عملکرد است و در صورت وجود نقص مفاهیم موجود در همان حالت اولیه باقی مانده و نمی‌توان انتظار عملکرد و اجرایی شدن این الگو را داشت. در این راستا پیشنهاد می‌گردد با توسعه چارچوب‌های عملیاتی و اقدام بر آن اساس زمینه دستیابی به اهداف این الگو فراهم شود. در این صورت است که می‌توان انتظار داشت اهداف کلان اقتصاد مقاومتی اجرایی گردد.

با توجه به چارچوب ارائه شده به نظر می‌رسد باید سیاست‌های اجرایی در حوزه ساختاری و بسترسازی جهت عملیاتی‌شدن اهداف اقتصاد مقاومتی فراهم شود. لذا انتظار می‌رود از تمامی ظرفیت‌های دولتی و مردمی استفاده شود و بخش خصوصی نیز توانمند گردد تا بسترهای مناسب عملکردی فراهم شود. چارچوب یاد شده می‌تواند به‌عنوان مبنایی برای توسعه راهکارهای عملیاتی برای اجرایی‌سازی الگوی اقتصاد مقاومتی کشور قرار گیرد. همچنین می‌توان بر آن اساس، سطح قابلیت‌ها و شایستگی‌های بخش‌های مختلف دستگاه‌ها و سازمان‌های کشور را در راستای عملی‌سازی اهداف الگوی اقتصاد مقاومتی، سنجش و مشخص شود و شکاف‌های موجود در این زمینه تعیین و تحلیل شود. براساس یافته‌های پژوهش حاضر پیشنهاد می‌گردد شرایط لازم برای هماهنگی بین دستگاه‌های اجرایی مختلف فراهم شود و راهکارهای عملیاتی به منظور ایجاد ساختار و بستر مناسب برای اجرای الگوی اقتصاد مقاومتی را مورد کاوش قرار داد و از سوی دیگر انسجام بیشتری بین بخش‌های مختلف درگیر در این فرآیند به‌وجود آورد. همچنین در سطح عملکردی پیشنهاد می‌گردد سیاست‌های حمایتی از تولید دانش و به تبع تولید فناوری و همچنین تجاری‌سازی دانش در راستای اهداف اقتصاد مقاومتی تقویت گردد تا بتوان هر چه سریع‌تر به سمت خوداتکایی و تحقق خودکفایی کشور گام برداشت.

مضافاً اینکه می‌تواند راهنمای عمل کلیه مدیران برای عملکرد شایسته در حوزه‌های مفهومی، ساختاری و عملکردی در قلمرو شغلی و مسئولیتی آنان باشد. لذا براساس چارچوب ارائه شده استعدادیابی و ظرفیت‌یابی درونی به منظور انتخاب بهترین مدیران در این حوزه نیز امری ضروری به نظر می‌رسد. بنابراین مذکور می‌تواند هنجاریابی و نرم‌سازی شود و به‌منظور ارزشیابی عملکرد دستگاه‌های مختلف در راستای ایفای وظایف آنان در حوزه اقتصاد مقاومتی قرار گیرد. نهایتاً چارچوب ارائه شده می‌تواند به‌منظور تعیین نقاط قوت و ضعف اقدامات صورت گرفته، مورد استفاده قرار گیرد و اشکالات ایجاد شده، به خصوص در مبانی و مفاهیم اساسی را مرتفع سازد. برای مثال با استفاده از عملیاتی‌سازی چارچوب ارائه‌شده و سنجش عملکرد نهادها و دستگاه‌های زیربند در این حوزه می‌توان عملکرد این نهادها را در ابعاد مفهومی، ساختاری و

عملکردی سنجید و نسبت به بهبود مستمر نقاط ضعف و توانمندسازی نقاط قوت موجود اقدام نمود.

با توجه به تأکید مقام معظم رهبری بر عملی‌سازی الگوی اقتصاد مقاومتی و ضرورت کاربست الگوهای کاربردی به‌منظور نجات اقتصاد کشور و از سوی دیگر با توجه به ضعف نسبی الگوهای موجود پیشنهاد می‌شود چارچوب مطرح شده در این مقاله، در پژوهش‌های کیفی و کمی دیگری مورد تحلیل و ارزیابی قرار گیرد و بر آن اساس، اصلاح، تکمیل یا تأیید شود. از طرفی به دلیل پیش‌گفته، پیشنهاد می‌شود چارچوب ارائه شده تا زمان توسعه و ارائه چارچوب‌های کارآمدتر، در مطالعات زمینه‌یابی، نیازسنجی و ارزیابی اقدامات جاری صورت پذیرفته در حوزه اقتصاد مقاومتی مورد استفاده قرار گیرد. همچنین می‌تواند به‌عنوان سرخط راهنمای برنامه‌های آتی به ویژه در خصوص ایجاد طرح و بستر سازمانی مفید و کارآمد در این زمینه مورد استفاده قرار بگیرد.

یادداشت‌ها

1. Peet & Elaine
2. Resistive Economy
3. Conceptual
4. Structural
5. Functional
6. Recontextualization
7. Briguglio & Piccinino
8. Hoy, Miskel & Tarter
9. Organization Functional
10. Solidarity
11. Huang & Ramey
12. Leake & Fritzler
13. Applied Economy
14. Poulin & Leclerc
15. Fisher, Psych & Psych
16. Content Analysis
17. Kondracki & Wellman
18. Hsieh & Shannon

- ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی توسط مقام معظم رهبری، (۱۳۹۲/۱۱/۲۹).
- اصغری، محمود (۱۳۹۵). اقتصاد مقاومتی و رابطه آن با ارزش‌ها و هنجارهای اقتصادی - اجتماعی، پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، سال بیست و دوم، شماره اول، پیاپی ۱۰۸، صص ۳۰-۳.
- بیانات مقام معظم رهبری در حرم رضوی (ع)، (۱۳۹۳/۱/۱).
- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان، (۱۳۹۱/۵/۱۶).
- بیانات مقام معظم رهبری بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، (۱۳۹۰/۵/۱۹).
- پیغامی، عادل (۱۳۹۱). اقتصاد مقاومتی، اقتصاد دفاعی یا ترمیمی، قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/others-note?id=20551>.
- ترک‌زاده، جعفر (۱۳۸۸). رهبری راهبردی در آموزش عالی. رویکردها و چشم‌اندازهای نو در آموزش عالی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، صص ۱۳۹-۱۷۵.
- ترک‌زاده، جعفر؛ عبدشریفی، فاطمه و نهاوندی، رضا (۱۳۹۳). مروری بر مفهوم چارچوب‌های ارزیابی و بهسازی عملکرد سازمانی: ارائه یک چارچوب تحلیلی، فصلنامه تحقیقات مدیریت آموزشی، سال پنجم، شماره پنجم، ویژه نامه سال ۱۳۹۳.
- ترک‌زاده، جعفر؛ عبدشریفی، فاطمه (۱۳۹۴). تأثیر نوع ساختار سازمانی بر آمادگی برای تغییر سازمانی با نقش واسطه‌گری انسجام سازمانی، فصلنامه مطالعات مدیریت (بهبود و تحول)، دوره ۲۴، شماره ۷۸، صص ۳۳-۶۴.
- ترک‌زاده، جعفر؛ نکومند، سمیرا و دهقان هراتی (۱۳۹۲). کارکردهای سازمان‌ها در جامعه. فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، صص ۱۳۹-۱۷۵.
- جامی، علیرضا؛ ایمانی مقدم، حمیدرضا و تنها، مجتبی (۱۳۹۱). راهبردهای افق روشن با رویکردی بر اقتصاد مقاومتی، مشهد: سخن گستر.
- حسین‌زاده بحرینی، محمدحسین (۱۳۹۲). اقتصاد مقاومتی راهکاری برای توسعه، مشکوه، شماره ۱۱۸.
- خلیلی، حسام‌الدین (۱۳۹۱). مقاومت اقتصادی در پرتو اقتصاد مقاومتی، کارآگاه، دوره دوم، شماره ۲۰.
- درخشان، مسعود (۱۳۹۳). قراردادهای نفتی از منظر تولید صیانتی و ازدیاد برداشت: رویکرد اقتصاد مقاومتی، دو فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات اقتصاد اسلامی، سال ششم، شماره دوم، پیاپی ۱۲، صص ۷-۵۲.
- رابینز، استیفن پی (۱۳۹۱) رفتار سازمانی، ترجمه علی پارسائیان و محمد اعرابی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- رضایی، محسن (۱۳۹۱). هدف از اقتصاد مقاومتی چیست؟، برگرفته از: <http://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=218340>.
- سیف، اله مراد (۱۳۹۱). الگوی پیشنهادی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه آفاق امنیت،

سال ۵، شماره ۱۶.

عابدی جعفری، حسین؛ تسلیمی، محمد؛ فقیهی، ابوالحسن؛ شیخ زاده، محمد (۱۳۹۰). تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی، اندیشه مدیریت راهبردی، ۵ (۲): صص ۱۵۱-۱۹۸.

عسگری، علی (۱۳۹۱). ۱۸ راهکار عملیاتی در اقتصاد مقاومتی، روزنامه جام جم، شماره ۳۵۱۵، دوشنبه ۳ مهر.

فشاری، مجید و پورغفار، جواد (۱۳۹۳). بررسی و تبیین الگوی اقتصاد مقاومتی در اقتصاد ایران، مجله اقتصادی، سال چهاردهم، شماره‌های ۵ و ۶، صص ۴۰-۲۹.

کامفیروزی، محمد حسن؛ بنیادی نائین، علی و موسوی، لقمان (۱۳۹۲). بررسی نقش عوامل در اقتصاد بدون نفت در الگوی اقتصاد مقاومتی، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۵۲.

لواسانی، سیده زینب (۱۳۹۱). اقتصاد مقاومتی در امتداد جهاد اقتصادی، تهران: اقتصاد تبیان.

میلانی، جمیل (۱۳۹۴). اقتصاد مقاومتی و خودباوری ملی، فرصت‌ها و چالش‌های تحقق آن، مجله اقتصادی، سال پانزدهم، شماره‌های ۷ و ۸، صص ۲۲-۵.

میرمعزی، سیدحسن (۱۳۹۱). اقتصاد مقاومتی و ملزومات آن با تأکید بر دیدگاه‌های مقام معظم رهبری، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۴۷.

Briguglio, Lino & Stephen Piccinino (2009). *Growth and Resilience in East Asia and The Impact of the 2009 Global Recession*, Available at: http://www.um.edu.mt/_data/assets/pdf_file/0011/141959/Growth_with_Resilience_in_Asia_5_Dec_2011.Pdf.

Fisher, p., psych., r & psych., l. (2007). *Organizational Health, A Unique 12 Factor, 4-Tier Research Based Model*, available at: www.fisherandassociates.org.

Hsieh, H. F.. & Shannon. S. E. (2005). *Three Approaches to Qualitative Content Analysis*. *Qualitative health research*, 15(9): 1277-1288.

Hoy, K., W., Morg iskel, G. C. & Tarter, C. J. (2013). *Educational Administration: Theory, Research and Practice*. McGraw Hill. Hill Companise Inc, 1221.

Hoy, K., W. & Miskel, G. C. (2008). *Educational Administration: Theory, Research, and Practice*. McGraw Hill, Hill Companise Inc, 1221.

Huang, S. h. & Ramey, G. W (2010). *Organizational Health Assessment: a Romania Firm Case Study*. 147- 157.

Kondracki, N. L., & Wellman, N. S. (2002). Content analysis: Review of methods and their applications in nutrition education. *Journal of Nutrition Education and Behavior*, 34: 224-230.

Koller, A.M. (2015). *Surviving the "Yellow Door" An Analysis of Post-Treatment Psychosocial Resilience*. A Thesis Submitted To The Graduate Council of Texas State University In Partial Fulfillment of The Requirements For The Degree of Master of Arts With A Major In Psychological Research.

Leake, R. & Fritzler, P. (2012). *Comprehensive Organizational Health Assessment*. Butler Institute for Families, University of Denver Graduate Shool of Social Work.

Peet, R. & H. Elaine. (2009). *Theories of Development Contentions, Arguments,*

- Alternatives*, the Guilford Press, Second Edition.
- Poulin, L. & Leclerc, S. (2004). *Organizational Health Evaluation and Implementation Process*. Final Report presented to the Canada Council for the Arts.
- Torkzadeh, J. and Nekoomand, S. (2015). Validating the Scale of Universitys Power of Response to Environment. *Asian Journal of Research in Social Sciences and Humanities*, 5(8): 241- 252.

